

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Examining the Criminal Responsibility of Minors in Light of the 2013 Islamic Penal Code

1. Mohaddeseh Sadeghian Lamraski*: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran Primary Email: mohaddeseh.sadeghian@gmail.com (Corresponding Author)

2. Sahar Mohammadi: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

3. Mitra Yazarluo: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

ABSTRACT

Although Iranian criminal law, similar to other jurisprudential-legal schools, considers minors to lack criminal responsibility, it has explicitly addressed in various legal articles, including Article 88 of the Islamic Penal Code (IPC), the commission of crimes by this age group, and has specified discretionary punishments, Hudud, retribution (Qisas), and blood money (Diyat). However, due to the offender's age and lack of maturity, they are deemed deserving of protective and educational measures rather than punitive sanctions. The aim of this article is to examine the aspects of maturity and its impact on the criminal responsibility of individuals, followed by the type of judicial response within the framework of Iran's modern criminal policy. This research, using a descriptive-analytical method and gathering sources and documents through library-based studies, concludes that although the IPC refers to the criminal responsibility of minors in several articles, according to the explicit wording of Article 146 of the IPC, with reference to Article 2 of the IPC, which defines criminal behavior as one that entails a specific punishment, not protective and educational measures, the behavior committed by a minor cannot be considered a crime. Consequently, a minor never bears criminal responsibility, and protective and educational measures are solely for the purpose of discipline, correction, and preventing recidivism in the future.

Keywords: *Minor, Maturity, Criminal Responsibility, Islamic Penal Code*

How to cite: Sadeghian Lamraski, M., Mohammadi, S. & Yazarluo, M. (2023). Examining the Criminal Responsibility of Minors in Light of the 2013 Islamic Penal Code. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(1), 135-149.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 20 February 2024

Revise Date: 20 May 2024

Accept Date: 24 May 2024

Publish Date: 19 June 2024



پژوهش‌هاک تطبیقه فقه،

حقوق و سیاست

بررسی مسؤلیت کیفری اطفال نابالغ در پرتو قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

۱. محدثه صادقیان لمراسکی: استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران پست الکترونیک: mohaddeseh.sadeghian@gmail.com (نویسنده مسئول)
۲. سحر محمدی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان،
۳. میترا یازرلو: دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

چکیده

حقوق کیفری ایران گرچه همچون سایر مکاتب فقهی-حقوقی شخص نابالغ را فاقد مسؤلیت کیفری دانسته است لیکن در خلال مواد قانونی متعدد از جمله ماده ۸۸ ق.م.ا صراحتاً به ارتکاب جرم توسط این طیف سنی از اشخاص و تعیین مجازات‌های تعزیری، حدود، قصاص و دیات اشاره داشته است. اما به لحاظ سن مرتکب و عدم بلوغ، وی را مستحق تحمل اقدام تامینی و تربیتی دانسته است. هدف از نوشتار حاضر، بررسی جوانب بلوغ و تاثیر آن بر مسؤلیت کیفری اشخاص و متعاقباً نوع واکنش قضایی در سیاست جنایی نوین ایران است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری منابع و مستندات به صورت کتابخانه‌ای در پایان به این نتیجه دست یافت که گرچه در موادی از ق.م.ا به مسؤلیت کیفری اطفال نابالغ اشاره شده است اما به صراحت ماده ۱۴۶ ق.م.ا با امعان نظر به ماده ۲ ق.م.ا که در آن رفتاری را جرم دانسته که دارای مجازات معین باشد نه اقدام تامینی و تربیتی، لذا رفتار ارتكابی فرد نابالغ نمی‌تواند عنوان جرم بگیرد و متعاقباً فرد نابالغ هیچ‌گاه مسؤلیت کیفری ندارد و اقدامات تامینی و تربیتی صرفاً از باب تادیب و اصلاح و پیشگیری از بازبزهکاری این افراد در آینده است.

واژگان کلیدی: طفل، بلوغ، مسؤلیت کیفری، قانون مجازات اسلامی

نحوه استناددهی: صادقیان لمراسکی، محدثه، محمدی، سحر، و یازرلو، میترا. (۱۴۰۳). بررسی مسؤلیت کیفری اطفال نابالغ در پرتو قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱(۱)، ۱۴۹-۱۳۵.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳



با افزایش تعداد متهمان نابالغ به جرایم مهم نگرانی‌هایی پیرامون عواقب قضایی برای افراد تحت تاثیر در چارچوب قانون و عدالت کیفری در حال افزایش است. دقیقاً چه زمانی و تا چه حدی اطفال می‌توانند مسئول اقدام خود باشند، موضوعی است که به رغم مخالفت‌های متعدد صاحبان اندیشه در علوم مختلف اجتماعی نیاز به بررسی دقیق برای جلوگیری از اشتباهات اساسی در هر دو جهت دارد. اگرچه برخی ملاک‌ها، استانداردها و اصول راهنمای بین‌المللی و ملی ایجاد شده‌اند، لیکن این استانداردها نسبتاً گسترده هستند و قادر به ارائه نسخه‌های خاص و موردی نیستند. علاوه بر این، ارزیابی اهلیت جنایی در اطفال یک کار پیچیده و خالی از ایراد نخواهد بود. در بیشتر نظام‌های حقوقی، مفهوم اهلیت جنایی با پذیرش این امر برابر است که ویژگی‌های خاصی باید وجود داشته باشد تا یک فرد بتواند مسئول اعمال خود باشد و چنین مسئولیتی پیش‌نیاز محکومیت به جرم است.

اگر چه قرن‌ها است که بشر آموخته تنها موجود انسانی دارای مسئولیت مستحق کیفر است اما هنوز در بسیاری جوامع و قوانین کشورهای بسیار حتی ایران شاهد نقض این امر اثبات شده عقلانی هستیم. هر روزه شاهد قربانی شدن کودکانی هستیم که ناخواسته و در اثر جبر به ورطه جرم و جنایت کشیده شده‌اند. کودکان بی سرپرست و بدسرپرست اطفالی که از داشتن نعمت آموزش و تربیت صحیح محروم هستند و یا فرزندان طلاق این اطفال به ظاهر قربانی جرم و یا بی تجربه بزرگسالان هستند. اما همین قربانیان خردسال در آینده‌ای نزدیک به بزهکاران بزرگسال تبدیل خواهند شد؛ چرا که خود ما با بی توجهی زمینه بزهکاری آنان را فراهم آورده‌ایم، در تغییر مسیر رشد و تربیت آنان نکوشیده‌ایم اما آیا به راستی این کودکان بی گناه که از حقوق انسانی و اجتماعی خود محروم هستند و بدون آگاهی به سوی ارتکاب جرم سوق داده می‌شوند مستحق مجازات هستند و آیا باید آن‌ها را مسئول دانست؟!

آیا کودکی که هنوز تفاوت میان خیر و شر را نمی‌داند مستحق کیفر است؟ بررسی مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه حقوق موضوعه یکی از چالش برانگیزترین مسائل روز دنیا است.

اصل قانونی بودن جرم و مجازات از اصول بنیادین حقوق جزا در عرصه بین‌المللی و داخلی برشمرده می‌شود اعمال انسان هر قدر زننده و غیر اخلاقی باشد تا مقتن آن را جرم نداند قابل مجازات نیست. این را از ماده ۲ قانون مجازات اسلامی به خوبی می‌توان استنباط کرد. اما مسئله مهمتر مسئولیت ناشی از جرم است و پس از تحقق آن مرتکب باید دارای شرایط و خصوصیتی باشد تا بتوان وی را مسئول دانست پس میان فعل مجرمانه و اراده مرتکب رابطه علی و معلولی باید وجود داشته باشد.

با عنایت به سوابق قانونگذاری به جز تشریح بایدها و نبایدهای حقوق کیفری اقلشاری از جامعه به طور خاص و ویژه مورد نظر مقنن قرار می‌گیرند که اطفال و نوجوانان به دلیل آسیب پذیری بیشترشان در زمره این گروه هستند. قانون مجازات اسلامی اخیر که با الگو پذیری از نصوص و فتاوی شرعی و نیز الزامات و بایسته‌های حقوق کیفری بین‌المللی نوآوری‌ها و تغییرات عمده‌ای در عرصه حقوق کیفری وضع نموده است در باب مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نیز موانع و شرایط آن برخوردار از مباحث جدی و جدیدی است که در تحقیق پیش رو عمده بحث و تحلیل ما را در بر خواهد گرفت و به فراخور بحث به جوانب دیگر این موضوع نیز خواهیم پرداخت.

مفهوم طفل و بلوغ

در لغت فارسی طفل به معنای بچه کودک نوزاد خرد سال خوده و ریزه از هر چیزی می‌باشد و جمع آن اطفال است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲/۲۴۵۲) واژه دیگری که در این معنی به کار می‌رود و از عربی به فارسی آمده است کلمه (صبی) می‌باشد، در معنای صبی گفته‌اند: کودکی که به

احتلام نرسیده است. این کلمه به صورت فعل نیز در زبان عربی بکار رفته است و به معنای ذوق زده شدن و کارهای کودکانه انجام دادن می‌باشد. (قریشی، ۱۴۱۲ق: ۱۰۹/۴) صبی، مفرد بوده و جمع آن صبیان است. کلمه صغیر نیز از واژه‌های مترادف طفل است. صغیر در لغت به معنای فرد کوچک، کم سال، کم سن و در مقابل کبیر می‌باشد و جمع آن صغار است (عبادی، ۱۳۸۷: ۵) در ماده ۱ از کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۸۹ چنین آمده است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». در این ماده پایان سن بلوغ ۱۸ سال تمام یا کمتر از آن مطابق قانون تعیین شده است. بلوغ نیز، در لغت به معنی رسیدن و در مفهوم عبارت است از رسیدن طفل به حال احتلام در مرد و حیض یا حمل در مورد زنان (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۱۱۳) از سوی دیگر گفته شده بلوغ عبارت است از رسیدن ذکور یا اناث به سنی که تمایل جنسی پیدا می‌کنند و از نظر هوشی متحول می‌شوند. (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۰/۲) در اصطلاح فقها بلوغ عبارت است از رسیدن پسر یا دختر به سنی که تمایل جنسی پیدا نمایند و قوای جسمی او آماده برای تولید و تناسل گردد، در این سن معمولاً قوای عاقله هم قوی می‌شود و این اولین مرحله کمال انسانی است (قاروبی، ۱۴۲۳: ۳۴۶) در اصطلاح حقوقی و مطابق قانون مدنی سابق، صغیر کسی بود که به سن هجده سال تمام نرسیده باشد؛ یعنی سن بلوغ سنی بود که شخص در آن رشید محسوب می‌شد. اما به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۶۸ و ۱۳۷۰ با حذف ماده ۲۰۹ قانون مدنی این مفهوم تغییر کرد و در حال حاضر مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، غیر بالغ کسی است. که به سن ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران نرسیده باشد. در ادامه به مبنای تکلیف کیفری می‌پردازیم.

سن مسئولیت کیفری

سن مسئولیت کیفری با توجه به قوانین موضوعه، چنین تعبیر می‌شود که سنی است که مرتکب به دلیل برخورداری از آن، می‌بایست متحمل یکی از واکنش‌های کیفری مقرر قرار گرفته و مشمول کیفری نامیده شود. بدین ترتیب سن مسئولیت کیفری بر دو قسم است، نسبی و مطلق. سن مسئولیت کیفری از جمله مسائل حائز اهمیت فراوان در حقوق کیفری اطفال و نوجوانان است؛ زیرا با این معیار می‌توان اطفال و نوجوانان را از یکدیگر مجزا نموده و در یک دادرسی افتراقی به رفتارهای مجرمانه آنها رسیدگی نمود. (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۷۹)

سن بلوغ کیفری

قانونگذار ایران در ماده ۱۴۷ ق.م.ا سن بلوغ کیفری را برای دختر ۹ سال قمری و برای پسر ۱۵ سال تعیین نموده است. پس بلوغ در حقوق کیفری با مفهوم بلوغ در علم پزشکی یکسان نیست و الزاماً به معنای بلوغ جنسی در دختر و پسر نیست بلکه رسیدن به حد مشخص ۹ و ۱۵ سال در طفل، می‌توان او را بالغ کیفری دانست، ندان که ماده ۱۴۰ ق.م.ا اذعان می‌دارد که مرتکب جرم باید حین ارتکاب، بالغ باشد. در اینجا دو نظام تعیین سن مسئولیت کیفری مطرح می‌باشد؛ یکی نظام مسئولیت کیفری مطلق و دیگری تدریجی. در نظام نخست سنی به عنوان سن بلوغ کیفری از سوی قانونگذار مشخص شده و اطفال پس از رسیدن به این سن از منظر حقوق کیفری همچون اشخاص بزرگسال مسئول قلمداد و واکنش کیفری در قبال رفتار مجرمانه آنان نیز به مثابه اشخاص بزرگسال می‌باشد. دومین نظام مسئولیت کیفری تدریجی نام دارد. به حد فاصل بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری مسئولیت کیفری تدریجی نام دارد. این دیدگاه مبتنی بر نظریه رشد جزایی است که در صاحبان این دیدگاه بر این باورند که بلوغ جنسی پدیده‌ای طبیعی و جسمی است که با افزایش سن و رسیدن به مرحله تکامل قوای جسمی و نضج قوای جنسی حاصل می‌شود و گرچه تکامل جسمی نوعاً همراه با تکامل قوای دماغی و رشد قوه تمییز می‌باشد،

اما لزوما رسیدن به سن بلوغ جنسی به معنی رسیدن به قوه تمییز کامل و رشد عقلی نیست و این دو پدیده لزوما توأمان به مرحله تکامل نمی‌رسند. (حیدری، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۶)

لذا به صرف بروز نشانه‌های بلوغ جنسی نمی‌توان حکم به رشد عقلی و تکامل قوای دماغی داد. چه بسا اشخاصی به سن بلوغ برسند اما قوه تشخیص و تمییز آنان به قدر کافی تکمیل نشده و از این بعد مانند کودک قادر به تشخیص حسن و قبح و یا ضرر و زیان نباشند. از آنجا که معیار مسئولیت کیفری که ناشی از توجه خطاب‌های شارع و قانونگذار به شخص می‌باشد، قوه تمییز و رشد عقلانی است و نه صرفاً بلوغ جسمی و جنسی؛ در نتیجه تا این قوه رشد و کمال نیابد و شخص قادر به تمییز و تشخیص نباشد امر و نهی شارع و قانونگذار متوجه او نخواهد شد. پس تحمیل کیفر بر او نیز صحیح نبوده و عقل و عدالت پذیرای آن نخواهد بود. (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۸۱)

تشخیص حسن و قبح اعمال مبنا و مأخذ رشد جزایی به شمار می‌رود و منظور، آن کیفیت نفسانی و ملکه‌ای است که توانایی تشخیص حسن و قبح افعال در فرد را دارد و به عبارت دیگر قوه تمییز خوبی از بدی است. بر این مبنا نظر به آن که انسان اول بدی و خوبی را تمییز داده و بعد نفع و ضرر را، لذا حجر مدنی ملازمه‌ای با حجر جزایی نخواهد داشت. لیکن حجر جزایی مستلزم حجر مدنی است، بدین دلیل که هر کس که حسن و قبح را از هم تمییز ندهد ممیز سود و زیان نیز نخواهد بود. (همان: ۱۷۰)

در علم روان شناسی مراحل رشد ادراکی انسان به شرح زیر می‌باشد:

الف- بدو تولد تا ۴ سالگی: گرچه همه کودکان با استعداد برقراری برخی از تمایزات ادراکی و پاسخ به آن‌ها متولد می‌شوند و به سرعت مسیر رشد را دنبال می‌کنند اما در این دوره تنها درک احساسی را تجربه می‌کنند.

ب: ۴ تا ۷ سالگی: در این مرحله کودکان ماهیت اشیاء و افعال را درک کرده و قدرت کافی برای گفتگو و فهمیدن منظور دیگران می‌یابند.

پ- ۷ تا ۱۱ سالگی: کودک در این سنین مفاهیم انتزاعی ساده مانند علیت و برخی ارزش‌ها را درک کرده و به صورت سامان یافته و حتی سازمان یافته رفتار می‌کند. بدین ترتیب هم اهلیت درک امر و نهی را می‌یابند و هم می‌توانند نسبت به اعمال خود پاسخگو قلمداد شوند.

ت- ۱۱ تا ۱۵ سالگی: این بازه سنی، شروع نوجوانی می‌باشد و مرحله‌ای است که فرد مفاهیم کاملاً انتزاعی و ارزش اجتماعی و اخلاقی رفتار خود را درک کرده و در مواقعی که می‌بایست دست به انتخاب بزند، شخصا اقدام می‌کند. بدین ترتیب ظرفیت مؤاخذة برای رفتار ارتكابی را دارد.

ث- ۱۵ تا ۱۸ سالگی: این مرحله که پایان نوجوانی است فرد به اولین مرحله بزرگسالی (جوانی) قدم می‌گذارد. در این دوره فرد روابط پیچیده اجتماعی را تحلیل و سود و زیان خود را در آن میان ارزیابی می‌کند که در پایان این دوره رشد عقلانی فرد کامل شده و نهایتاً دوره نوجوانی را پشت سر گذارده و به جمع بزرگسالان می‌پیوندد. (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۰۶-۲۰۵)

شاخصه‌های مسئولیت کیفری

۱- مسئولیت کیفری به دنبال نقض قانون کیفری و بزهکاری ایجاد می‌شود؛

۲- قوانین و مقررات کیفری سرمنشأ و منبع مسئولیت کیفری هستند. (ماده ۲ ق.م.ا) پس به استناد اصل قانونی بودن جرم و مجازات نمی‌توان هر رفتار قبیح و مخالف نظم اجتماعی را جرم پنداشت و مرتکب را مستحق مجازات دانست.

۳- در هر ارتکاب جرم، زیان‌دیده اصلی از جرم، جامعه است که گاه چنان زیان وارده هنگفت است که خود فرد بزه‌دیده محسوب و جامعه بزه‌دیده ثانویه به شمار می‌رود. (ماده ۹ ق.آ.د.ک) لذا مسئولیت کیفری می‌تواند در قبال خسارات وارده به شخصیت اجتماع باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۶۴۲)

۴- هدف مسئولیت کیفری تحمیل کیفر بر بزه‌کار است.

۵- اصل شخصی بودن جرم و مجازات بر بنیاد مسئولیت کیفری حاکم است و هر کس صرفاً به دلیل ارتکاب جرایمی متحماً مجازات می‌شود که خود مرتکب شده است. (م ۱۴۱ ق.م.ا)

شرایط تحقق مسئولیت کیفری

حال که مفهوم و ماهیت مسئولیت کیفری تبیین شد باید به بررسی این موضوع پرداخت که معیار و ملاک در حقوق کیفری اطفال در احراز جرایم اشخاص نابالغ و تحمیل مسئولیت کیفری بر این طیف چیست؟ آیا صرفاً وقوع بزه در انتساب و تحمیل مسئولیت کفایت می‌کند یا شخصیت بزه‌کار نیز در حقوق کیفری حائز اهمیت بوده و در تعیین واکنش اجتماعی موثر است؟

با نگاهی به قوانین و مقررات موضوعه کشور در دهه آخر سده ۱۳ خورشیدی، چنین مستفاد می‌شود که عمده قوانین رویکردی جرم‌شناختی به پدیده بزه‌کاری دارند و به صرف ارتکاب جرم، مرتکب را مستحق کیفر ندانسته و با رویکردی تخفیف‌یافته برای این طیف از مرتکبان که در حال طی نمودن رشد اجتماعی هستند قائل می‌باشند.

قانون آیین دادرسی کیفری با تاکید بر این موضوع که در پرونده‌هایی که مرتکب در زمره اطفال و نوجوانان می‌باشد حتماً می‌بایست پرونده شخصیت برای این افراد تشکیل شود و همراه با پرونده کیفری در تمام مراحل دادرسی مدنظر قرار گیرد گویای این واقعیت است که حقوق کیفری نوین ایران، توجه خاص و ویژه‌ای به شخصیت این افراد دارد.

لذا در کنار مسئولیت کیفری تام یا مطلق به مسئولیت کیفری نسبی اشاره داشته که این مهم در ماده ۸۸ ق.م.ا البته به نحو تدریجی و با توجه به سن مرتکب وضع و تاکید شده است.

لذا لازمه انتساب بزه و تحمیل مسئولیت بر مرتکب، برخورداری از اهلیت جزائی در زمان ارتکاب بزه یا وقوع نتیجه مجرمانه است. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۱۷۴/۲) فرد بزه‌کار باید دارای شرایطی باشد تا بتوان وی را مستحق کیفر اعلام نمود.

این مهم در ماده ۱۴۰ ق.م.ا بدین نحو اشاره شده است که مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد. بنابراین با فقدان هر کدام از معیارهای فوق، احراز مسئولیت کیفری بزه‌کار منتفی می‌باشد. چندان که در بحث نوشتار حاضر، فرد مرتکب فاقد معیار بلوغ می‌باشد.

مسئولیت کیفری اطفال در ق.م.ا ۱۳۹۲

از شرایط مسئولیت کیفری رسیدن به سن بلوغ است افرادی که به سن بلوغ نرسیده اند طفل نامیده می‌شوند و فاقد مسئولیت کیفری هستند و فقط برای آن‌ها اقدامات تامینی در نظر گرفته می‌شود سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری اعلام شده است. بلوغ جسمی و رشد عقلی دو پدیده متفاوت هستند و رسیدن به سن بلوغ جنسی به معنی رسیدن به رشد عقلی نیست و مسئولیت کیفری زمانی محقق می‌شود که فرد از نظر قوای دماغی تکامل یافته و به آگاهی دست یابد و به مرحله تمیز حسن و قبح و ضرر و زیان برسد و اصطلاح آن از نظر جزایی رشید باشد.

مسئولیت کیفری اطفال در جرائم تعزیری

قانونگذار در تعیین سن جرائم تعزیری را از جرائم موجب حد و قصاص جدا کرده در مورد جرائم تعزیری ملاک بلوغ و سن ۹ و ۱۵ سال را بر اساس ماه قمری بیان نموده و با تفکیک مقاطع سنی مختلف مجازات‌های متفاوتی را نیز در نظر گرفته است.

مطابق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی: درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است حسب مورد دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه مصلحت بیان نوجوان بداند یا الزام به انجام دستورهای مذکور در بند الف در صورت عدم صلاحیت والدین اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ که موارد الف تا پ اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال و موارد ت و ث اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال اعمال می‌شود.

در مورد جرائم موجب حدی هیچ حداقل سنی برای اعمال اقدامات تامینی و تربیتی وجود ندارد و مرتکب هر سنی که داشته باشد اقدامات تامینی و تربیتی درباره اعمال می‌شود ولی در تعزیرات فقط زمانی اقدامات تامینی و تربیتی امام می‌شود که مرتکب حداقل ۹ سال تمام شمسی داشته باشد و اگر مرتکب زیر ۹ سال تمام شمسی سن داشته باشد هیچ اقدام تامینی تربیتی درباره وی اعمال نمی‌شود.

در حقوق کیفری، ثمره علمی تفکیک دوره‌های مزبور در نحوه واکنشی است که در قبال رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان بر حسب تکامل دوره سنی عاطفی و ذهنی اتخاذ می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت واکنش‌های مقرر در حقوق کیفری نسبت به رفتار مجرمانه در دوره‌های سنی مختلف قبل از بلوغ جسمی ذهنی و عاطفی می‌توان تفکیک سنی دوره کودکی و نوجوانی را بر حسب علوم روانشناسی کودک پذیرفت. بنابراین دوره کودکی از بدو تولد تا سن ۱۲ سالگی و دوره نوجوانی از ۱۲ تا ۱۸ سالگی است. (موذن زادگان، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

رسیدن به سنی که شخص قوه تمییز و تشخیص کامل حسن و قبح اعمال و درک اوامر و نواهی قانونی را داشته باشد یکی از ارکان مسئولیت کیفری است. اطفال و نوجوانانی که به این سن نرسیده اند از نظر حقوق کیفری مسوول نیستند؛ زیرا ملاک اعمال حکم تحقق موضوع است و موضوع احکام کیفری اشخاصی هستند که قوه تمییز کامل حسن و قبح اعمال و درک اوامر و نواهی قانونی و واقعیت جرم را داشته باشند. مقصود ما از رسیدن به سن معین، بلوغ جنسی که مربوط به تکامل قوای بدنی و جسمی است، نیست. بنابراین، مقصود از رسیدن به سن معین سنی است که فرد از قوه تمییز و درک برخوردار می‌شود. کودک به دلیل این که تابع اصل لذت است نمی‌تواند اعمال خود را به خوبی کنترل کند و از سوی دیگر از قوه تمییز و درک نام برخوردار نیست کودک به تدریج از مرحله تمییز و درک نسبی به مرحله نام میرسد در نظام‌های کیفری پیشرفته این امر مورد توجه قرار می‌گیرد که برخورداری کودک از مسئولیت کیفری ماهیت تدریجی دارد نه ماهیت جهشی برخی از کشورها سن معینی را در نظر می‌گیرند که زیر آن فرد فاقد مسئولیت کیفری است و در صورت رسیدن به آن مانند افراد بزرگسال از مسئولیت کیفری برخوردار می‌شود. (حسینجانی و مظاهری، ۱۳۸۹: ۱۱)

انتقادی که به این مواد وارد است این است که قرار دادن حداقل سن ۹ سال برای وارد شدن به سیستم کیفری بسیار پایین است و از طرفی قرار دادن این سن‌ها به عنوان اماره بلوغ و بار کردن مسئولیت کیفری بعد از رسیدن به آن عملاً باعث تبعیض و اعمال ناروای تفاوت در میان دختران و پسران از حیث تحمیل مسئولیت کیفری می‌شود. این عملکرد قانونگذار با موازین بین المللی هم مطابقت ندارد؛ چون همان طور که در مقررات بیجینگ^۱ توصیه شده است سن مسئولیت کیفری نباید پایین تعیین شود و لازم است با واقعیات مربوط به بلوغ عاطفی و ذهنی و عقلی کودک در نظر گرفته شود گرچه این توصیه برای کشورها الزام آور نیست اما نوعی راهبرد کلی برای تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری ارائه می‌دهد. بنابراین به جای توسل به سنت‌ها سن مسئولیت کیفری باید بر اساس داده‌های زیست‌شناسی و مطابق با واقعیت‌های اجتماعی تعیین شود که متأسفانه این معیارها در تعیین حداقل سن کیفری در دختران در ایران رعایت نشده است. (روحانی و مهرپور، ۱۳۹۱: ۲۰)

پرونده شخصیت

یکی از مراحل مهمی که در فرآیند دادرسی اطفال با توجه به پرونده شخصیت مطرح می‌شود مرحله اجرای حکم است که شامل مجموعه اقدام‌های عدالت کیفری است که در زمینه اجرای پاسخ‌های پیش‌بینی شده در برابر بزهکاری بکار می‌گیرند. در این مرحله روش‌های تعیین شده برای اصلاح و درمان از جمله کودکان بزهکار بر آنان اجرا می‌شود. تشکیل پرونده شخصیت این دسته از مجرمان نقش بسزایی در شناسایی و رفع نیازهای فردی و محیطی کودکان بزهکار و سازگاری اجتماعی آنان ایفا می‌کنند. از این رو تشکیل پرونده شخصیت در مرحله اجرای حکم در شماری از اسناد بین‌المللی و مقررات ملی ناظر به کودکان بزهکار مورد توجه قرار گرفته است. (خالقی، ۱۳۹۹: ۲۷۳)

آنچه از منطبق قانون مجازات اسلامی فهمیده می‌شود این است که قانون‌گذار به طور ضمنی تشکیل پرونده شخصیت را برای این افراد (اطفال بزهکار) الزامی دانسته و همچنین بیان داشته قضات برای تجدیدنظر در رأی خود باید به پرونده شخصیت طفل بزهکار توجه کنند (که در این زمینه ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند:

دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک‌بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد رأی دادگاه در این مورد قطعی است این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن‌ها نیست.

مسئولیت طفل در قانون

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقتن در تعریف طفل از قول مشهور در فقه امامیه تبعیت کرده و در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال تمام قمری را طفل دانسته است. نوجوان در ماده ۸۸ در کنار واژه اطفال به کسانی اطلاق شده است که در زمان ارتکاب جرم سن آنان ۹ تا ۱۵ سال شمسی است. چنانچه به تعریف مقتن در ماده ۱۴۷ توجه شود، لابد در ماده ۸۸ منظور مقتن از نوجوانان باید دختران بالای ۹ سال قمری باشد. گرچه در این ماده مقتن سال شمسی را ملاک دانسته است؛ زیرا پسران زیر ۱۵ سال طفل به شمار می‌آیند! (یکی از تبعات منفی پیروی مقتن از تعریف فقهی). بلوغ در تبصره ۲ ماده ۸۸، مقتن از افراد نابالغی سخن می‌گوید که

^۱ این مجموعه، مقررات و رهنمودهای سازمان ملل در خصوص حمایت از کودکان و نوجوانان را در اختیار شما قرار می‌دهد. در این مجموعه که شامل سه بخش: مقررات پکن، رهنمودهای ریاض، و مقررات سازمان ملل برای نوجوانان محروم از آزادی می‌گردد، حداقل استانداردهای دادرسی برای نوجوانان به تفصیل بررسی شده است.

مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص شده و سن آنان بین ۱۲ تا ۱۵ سال قمری است به طوری که فوقاً بیان گردید چون مفتن فقط پسران زیر ۱۵ سال قمری را نابالغ می‌داند، ناچار باید این حکم توأم با ارفاق را مختص پسران و دختران به اعتبار بلوغ از این امتیاز (مجازات یا اقدامات ارفاق‌آمیز) بی بهره دانست. نتیجه‌ای که پذیرش آن خواننده را دچار حیرت می‌کند. یکی دیگر از آثار منفی تبعیت از تعریف فقهی بلوغ در ماده ۸۹ مفتن بار دیگر به نوجوانان اشاره کرده و بیان می‌دارد نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری میشوند و سن آنان در زمان ارتکاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام است به یکی از... در این ماده مقنن خود را از محدودیت‌های ناشی از تعریف فقهی سن بلوغ رها ساخته و علی‌الاطلاق دختران و پسران در سنین بالای ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی را نوجوان و لاجرم آنان را از مجازات‌های توأم با ارفاق بهره مند دانسته است. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اطفال بدون آن که تفاوتی از حیث جنسیت وجود داشته باشد، تابع نظام تدریجی شده و برای گروه‌های سنی مختلف اطفال واکنش‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است. ذیلاً هر یک از این گروه‌ها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر کرده است که اطفال ۹ تا ۱۵ ساله در صورت ارتکاب جرایم تعزیری موضوع یکی از تصمیمات مندرج در بندهای الف تا ب آن ماده قرار می‌گیرند. اما از آنجا که طبق تبصره ۱ همین ماده تصمیمات مذکور در بندهای ت و ث فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است، تدابیر قابل اعمال در مورد گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال منحصر به موارد مذکور در بندهای الف تا ب این ماده است. از حیث ماهوی واکنش‌هایی که قانونگذار در مورد این گروه سنی پیش بینی کرده است، جنبه ترمیمی - تربیتی دارند. از لحاظ فنی نیز مفهوم این ماده آن است که کودکی که کمتر از ۹ سال سن دارد، نمی‌تواند موضوع هیچ گونه تصمیمی در نظام عدالت کیفری، حتی تصمیمات اصلاحی و مراقبتی قرار گیرد. به بیان دیگر این اطفال قابل محاکمه کیفری نیستند. از این حیث موضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ متفاوت از قانون مجازات اسلامی سابق است؛ زیرا طبق ماده ۴۹ آن قانون اطفال مبرا از مسئولیت کیفری بودند اما تربیت آن‌ها با نظر دادگاه بر عهده سرپرست اطفال و عندالاقضا کانون اصلاح و تربیت اطفال بود. به این ترتیب در قانون سابق هیچ گونه حداقل سنی برای حضور در دادگاه کیفری در نظر گرفته نشده بود. علاوه بر این، امکان تنبیه بدنی اطفال بزهکار نیز بدون در نظر گرفتن میزان سن آن‌ها پیش بینی شده بود. مطابق تبصره ۲ ماده ۴۹ قانون مذکور هر گاه برای تربیت طفل، تنبیه بدنی وی ضرورت پیدا می‌کرد، این امکان برای دادگاه پیش بینی شده بود. اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اطفال کمتر از سن ۹ سال، هیچ گونه واکنشی حتی اصلاحی و تربیتی پیش بینی نشده و این بدان معنا است که این اطفال قابل محاکمه کیفری نیستند. طبعاً جواز قانونی تنبیه بدنی آن‌ها نیز منتفی گردیده است. در مورد گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال قانونگذار سختگیری بیشتری نشان داده و این امکان را فراهم کرده است که علاوه بر واکنش‌های اصلاحی مورد اشاره در بند قبل برخی تدابیر تادیبی - تنبیهی نیز در مورد آن‌ها اعمال شود. طبق تبصره ۱ ماده ۸۸ کودک یا نوجوان ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ای که مرتکب جرم تعزیری شود، ممکن است علاوه بر تدابیر مذکور در بند قبل مشمول واکنش پیش بینی شده در بندهای ت و ث این ماده نیز قرار گیرند. به ویژه واکنش مذکور در بند ث که عبارت از نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت سه ماه تا یک سال است، دارای جنبه تنبیهی قوی است. قسمت ذیل این تبصره سختگیری نسبت به این گروه سنی را بیشتر کرده و مقرر نموده که اگر این اطفال و نوجوانان مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شوند، الزاماً باید برای مدت ۳ ماه تا ۱ سال به کانون اصلاح و تربیت اعزام شوند و قاضی نمی‌تواند برای آن‌ها واکنش دیگری از قبیل تسلیم به اشخاص واجد صلاحیت یا اخطار و تذکر و اخذ تعهد به عدم تکرار جرم در نظر بگیرد. با توجه به این مراتب دختری که سن بلوغ را پشت سر گذاشته و طبق نظر مشهور فقهای امامیه، مسئولیت کیفری کامل پیدا کرده است، تا زمانی که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده است، در صورت ارتکاب جرم تعزیری با واکنش تخفیف یافته‌ای مشابه همتایان مذکور خود مواجه می‌شود. این تغییر

مهم بخشی از ایرادات وارد بر قوانین سابق از حیث تبعیض بین دختران و پسران در باب مسئولیت کیفری را بر طرف ساخته است. پس از گذر از سن ۱۵ سال تا رسیدن به سن ۱۸ سال دختران و پسرانی که مرتکب جرم تعزیری شوند مشمول ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هستند. در این ماده مقرر شده است که مجرمان این رده سنی، بسته به نوع جرم به یکی از مجازات‌های مذکور در آن ماده محکوم می‌شوند که شدیدترین آن‌ها پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و خفیفترین آن‌ها نیز پرداخت جزای نقدی است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضمانت اجراهای خاصی را برای این گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ پیش بینی کرده و آن‌ها را تابع نظامی متفاوت از بزرگسالان افراد بالای سن هجده سال قرار داده است. اگرچه قانونگذار سن مسئولیت کیفری را صراحتاً افزایش نداده اما با پیش بینی نظام تدریجی مسئولیت کیفری دامنه حمایت‌های اصلاحی و تربیتی خود را توسعه داده و این حمایت‌ها را تا حد شمول بر افراد کمتر از سن هجده سال که با هیچ قرائتی از منابع فقهی نمی‌توان آن‌ها را کودک نامید گسترده ساخته است. دقت در شیوه برابری مجازات‌های تعزیری برای افراد بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سال در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این واقعیت را بهتر نشان می‌هد. به عنوان مثال در بند الف ماده ۸۹ مقرر شده است که نوجوان مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا سه به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت دو تا پنج سال محکوم شود. به این ترتیب نگهداری در کانون برای مدت ۲ تا ۵ سال، جایگزین تعزیرات درجه ۱ تا ۳ شده است. کمترین میزان حبس تعزیری درجه ۳ ده سال و بیشترین میزان حبس تعزیری درجه ۱ نیز بیش از ۲۵ سال است. در نتیجه قانونگذار برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال نگهداری در کانون برای مدت ۲ تا ۵ سال را جایگزین حبس بیش از ۱۰ سال تا بیش از ۲۵ سال کرده است که این خود نشان دهنده رویگردانی مقنن از رویکرد مجازاتگرا و سزادهنده و توجه او به رویکرد اصلاحی و بازپرورانه در مورد این گروه سنی دارد.

طبق قول مشهور فقهای امامیه فردی که سن بلوغ را پشت سر گذاشته باشد، بالغ و دارای مسئولیت کیفری کامل است و طبیعتاً در صورت ارتکاب جرم نیز مجازات وی همچون افراد بزرگسال است. اما قانونگذار سعی کرده است که در عین احترام به این قواعد شرعی حتی الامکان با الزامات بین المللی حقوق کودک در این زمینه نیز همگام شود. قواعد اصلی نظام حقوقی حاکم بر ارتکاب جرایم مستوجب حد و قصاص توسط اشخاص زیر سن هجده سال در تبصره ۲ ماده ۸۸ و ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تبیین شده است. تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر کرده است که اگر فردی نابالغ که در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال قمری قرار دارد مرتکب جرم مستوجب حد یا قصاص گردد به یکی از اقدامات مذکور در بندهای ت یا ث ماده ۸۸ که به ترتیب عبارتند از؛ «اخطار و تذکر با اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم» و «نگهداری در کانون اصلاح و تربیت برای مدت ۲ تا ۵ سال» محکوم خواهد شد. چنانچه نابالغ مرتکب این جرایم کمتر از دوازده سال سن داشته باشد مطابق قسمت ذیل این تبصره به یکی از اقدامات مذکور در بندهای «الف» تا «پ» ماده ۸۸ که ماهیت اصلاحی و تادیبی و مراقبتی دارند محکوم خواهد شد. در مورد این تبصره، چند نکته قابل توجه است: نخست آن که برخلاف تعزیرات که در مورد گروه سنی کمتر از نه سال امکان اعمال هیچ واکنشی در قانون پیش بینی نشده است در مورد جرایم مستوجب حد و قصاص، حداقل از حیث نظری این امکان وجود دارد که قاضی یکی از واکنش‌های مذکور در بندهای «الف» تا «پ» ماده ۸۸ را در مورد آن‌ها اعمال کند. این برداشت مستند به ذیل تبصره ۲ ماده ۸۸ است. توضیح آن که صدر این تبصره مقرر می‌دارد که نابالغ مرتکب جرم حدی یا مستوجب قصاص در صورتی که بین ۱۲ تا ۱۵ سال داشته باشد، به واکنش‌های مندرج در بندهای ت و ث محکوم می‌شود و در غیر این صورت به واکنش‌های مذکور در بندهای «الف» تا «پ» منظور از عبارت «در غیر این صورت» اشاره به فرضی است که نابالغ مرتکب جرم کمتر از ۱۲ سال سن داشته باشد، بدون آن که حداقل سنی برای این نوع واکنش‌ها در نظر گرفته شده باشد. به این ترتیب، کودکی که به سن ۹ سال نرسیده است، در صورت ارتکاب

جرائم تعزیری مطلقاً موضوع واکنش دستگاه عدالت کیفری قرار نمی‌گیرد و حتی تدابیر اصلاحی و مراقبتی نیز در مورد وی پیش بینی نشده است. اما در صورت ارتکاب جرائم مستوجب حد یا قصاص توسط وی امکان اعمال واکنش‌های تربیتی و مراقبتی مذکور در بندهای الف تا پ ماده ۸۸ در مورد وی وجود دارد. دوم آن که قسمت صدر این تبصره صرفاً در مورد پسران اعمال می‌شود؛ زیرا موضوع آن نابالغی است که بین ۱۲ تا ۱۵ سال سن داشته باشد. از آنجا که طبق ماده ۱۴۷ همین قانون دختری که بیش از ۹ سال سن داشته باشد، بالغ محسوب می‌شود منظور از نابالغ ۱۲ تا ۱۵ ساله مذکور در این تبصره، صرفاً نابالغ مذکر (پسر) است. به این ترتیب بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد دختری که بیش از ۹ سال تمام قمری داشته باشد، در صورت ارتکاب جرم مستوجب حد یا قصاص، حسب مورد به حد یا قصاص محکوم می‌شود اما پسر تا زمانی که به سن ۱۵ سال قمری نرسیده باشد به جای حد یا قصاص به یکی از تدابیر و واکنش‌های مراقبتی و تنبیهی مذکور در ماده ۸۸ محکوم می‌شود. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز چنین فردی بنا به صلاحدید قاضی و میزان سن وی به نگهداری در کانون محکوم می‌شود و یا واکنش‌های خفیف‌تری مانند اخطار و تذکر توسط قاضی در مورد وی اعمال می‌شود. به این ترتیب و برخلاف آنچه که ممکن است در نگاه نخست به نظر برسد، تبصره ۲ ماده ۸۸ تغییر چندانی در واکنش کیفری نسبت به اطفال مرتکب جرائم مستوجب حد یا قصاص ایجاد نکرده است. اما برخلاف تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون ۹۱ مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحولی جدی در واکنش کیفری نسبت به نوجوان مرتکب جرائم مستوجب حد یا قصاص ایجاد کرده است. این ماده سه وضعیت را به عنوان عوامل سقوط حد یا قصاص معرفی کرده و قاضی را مکلف کرده است که در این موارد مرتکب را به جای حد یا قصاص براساس گروه سنی وی به یکی از مجازات‌های تعزیری مذکور در این فصل محکوم نماید. این سه وضعیت عبارتند از: عدم درک ماهیت جرم ارتكابی توسط مرتکب، عدم درک حرمت جرم ارتكابی توسط مرتکب، شبهه در رشد یا کمال عقل مرتکب. به این ترتیب دختر یا پسر زیر سن ۱۸ سال که در این مورد برخلاف مواد ۸۸ و ۸۹ مشخص نشده است که ۱۸ سال تمام قمری ملاک است یا شمسی که مرتکب جرم مستوجب حد یا قصاص شود و یکی از حالات فوق در مورد وی صادق باشد، با توجه به سن وی به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم می‌شود. در مورد حکم این ماده دو نکته قابل توجه است: اولاً آیا مصالحی که باعث سقوط مجازات حدی یا قصاص شده اند، از این قوت و اعتبار برخوردار نیستند که بتوانند باعث سقوط مجازات تعزیری نیز بشوند؟ جایگزین کردن این مجازات با تعزیر با چه منطقی صورت گرفته است؟ اساساً آیا می‌توان کسی را که در کمال عقل وی شبهه وجود دارد به تعزیر محکوم کرد؟ ثانیاً نوع واکنش، در ماده ۹۱ مبهم مانده است. قانونگذار بعد از بیان سقوط حد یا قصاص به صدور این حکم کلی بسنده کرده است که مرتکب با توجه به سن وی به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل، یعنی فصل دهم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محکوم می‌شود اما منظور از این مجازات‌هایی که قانونگذار موضوع را به آن‌ها احاله کرده است، کدام موارد است؟ اشاره قانونگذار به واکنش‌های مذکور در ماده ۸۸ است یا تبصره ۲ آن و یا ماده ۱۸۹؟ پاسخ به این سوال آسان نیست. به ویژه آن که قانونگذار با تصریح به اینکه در تعیین مجازات برای مرتکب باید سن وی نیز در نظر گرفته شود، به این ابهام افزوده است. توضیح آن که در این فصل سه دسته از واکنش‌ها برای اطفال مرتکب جرم در نظر گرفته شده است.

نخست، اطفال بین سنین ۹ تا ۱۲ ساله مرتکب جرائم تعزیری که با واکنش‌های مذکور در بندهای الف» تا «ب» ماده ۸۸ مواجه می‌شوند.

دوم، اطفال بین سنین ۱۴ تا ۱۵ ساله مرتکب جرائم تعزیری با مستوجب حد یا قصاص که با واکنش‌های مذکور در بندهای ت و ث ماده ۱۸ مواجه می‌شوند.

سوم اطفال بین سنین ۱۵ تا ۱۸ ساله مرتکب جرایم تعزیری که با مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹ مواجه می‌شوند و این مجازات‌ها نیز براساس درجه جرم ارتكابی دسته بندی شده اند.

سؤال این است که وقتی قانونگذار در ماده ۹۱ به مجازات‌های مذکور در این فصل ارجاع می‌دهد، کدام یک از سه نوع تدابیر فوق را مد نظر دارد. در این خصوص دو نظر را می‌توان ارائه داد: نخست آن که بر حسب اینکه مرتکب جرم حدی یا مستوجب قصاص (که به دلایل فوق، حد یا قصاص از وی ساقط شده است) چه سنی داشته باشد، یکی از انواع تدابیر فوق در مورد وی اعمال می‌شود. یعنی اگر در گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال باشد واکنش‌های مذکور در بندهای الف تا پ ماده ۸۸، اگر در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال باشد، واکنش‌های مذکور در بندهای ت یا ث ماده ۸۸ و اگر بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن داشته باشد، تدابیر موضوع ماده ۸۹ ق.م.ا در مورد وی اعمال می‌شوند. تأکید قانونگذار در ماده ۹۱ مبنی بر اینکه واکنش باید متناسب با سن مرتکب باشد، این نظر را موجه جلوه می‌دهد. اما ایراد این قول آن است که قانونگذار در ماده ۹۱ صراحتاً از مجازات مرتکبان صحبت می‌کند در حالی که همین قانونگذار آگاهانه و عامدانه از بکار بردن تعبیر مجازات در مورد واکنش‌های مذکور در ماده ۸۸ خودداری کرده و از لفظ «تصمیمات» در مورد آن‌ها استفاده کرده است. به بیان دیگر از نظر قانونگذار تدابیر واکنشی مذکور در ماده ۸۸ مجازات به شمار نمی‌روند و از این رو ارجاع به مجازات‌های مذکور در این فصل در ماده ۹۱ را نمی‌توان معطوف به آن‌ها دانست. قانونگذار صرفاً در ماده ۸۹ از تعبیر مجازات، استفاده کرده است و از این رو شاید بتوان گفت که ارجاع وی به مجازات در ماده ۹۱ نیز معطوف به واکنش‌های مذکور در ماده ۸۹ است. این تعبیر با منطق حقوقی نیز سازگارتر است؛ زیرا تناسب بین مجازات‌ها را حفظ می‌کند.

در یک درجه بندی کلی در بالاترین درجه از شدت، مجازات‌های حد و قصاص قرار دارند. پس از آن‌ها تعزیرات قرار می‌گیرد و در سطحی خفیف‌تر از تمامی اینها، اقدامات تادیبی و اصلاحی اطفال و نوجوانان قرار می‌گیرند. به این ترتیب نظر مقنن این بوده که نوجوانی که به دلایل مذکور در ماده ۹۱ حد یا قصاص از وی ساقط شده است، با تخفیف و تسامح، با مجازات‌های تعزیری مواجه می‌شود. این مجازات‌ها نیز در ماده ۸۹ ذکر شده اند. پس می‌توان گفت که نوجوانی که حد یا قصاص از وی ساقط شده است به مجازات‌های تعزیری مذکور در ماده ۸۹ محکوم می‌شود. (یاقوتی، ۱۴۰۲: ۱۱۴)

اما متأسفانه این برداشت نیز مشکل را حل نمی‌کند و ابهامی که قانونگذار در ماده ۹۱ به وجود آورده است را مرتفع نمی‌سازد؛ زیرا اولاً در ماده ۹۱ تصریح شده است که مرتکب براساس سن وی به یکی از مجازات‌های این فصل محکوم می‌شود. اما ماده ۸۹ فقط یک گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال را دربرمی‌گیرد و وضعیت سایر گروه‌های سنی که مرتکب جرم حدی یا مستوجب قصاص شده اند و این مجازات‌ها از آن‌ها ساقط شده است مشخص نیست. ثانیاً در ماده ۸۹ مجازات‌های مختلفی بر اساس نوع جرم تعیین شده است (نگهداری در کانون اصلاح و تربیت جزای نقدی و خدمات عمومی). اکنون مشخص نیست که اگر قاضی بخواهد بعد از اسقاط حد یا قصاص مرتکب را به تعزیرات مذکور در ماده ۸۹ محکوم کند کدام تعزیر را باید ملاک قرار دهد. آیا آزادی عمل مطلق دارد و می‌تواند هر یک از تعزیرات را که بخواهد، اعمال کند؟ به نظر نمی‌رسد که پاسخ مثبت به این سؤال، راه حل مطلوبی را فراروی ما قرار دهد؛ زیرا در این صورت آشفتگی بسیاری در رویه قضایی بوجود خواهد آورد و از سوی دیگر، چگونه می‌توان پذیرفت که قانونگذار در تعزیرات به شرحی که پیش‌تر گفته شد، دقیقاً نوع واکنش کیفری در مورد اطفال را مشخص کرده باشد اما در حدود و قصاص این گونه آزادی عمل مطلق به قاضی داده باشد؟ این موارد ابهاماتی است که از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ناشی شده اند و قانونگذار بدون توجه به آن‌ها حکم کلی ماده ۹۱ را صادر کرده است. در واقع، تمرکز

قانونگذار بر توجیه اسقاط حد یا قصاص در این ماده سبب شده است که از توجه کافی به مجازاتی که جایگزین حد یا قصاص خواهد شد عاجز شود و نتواند ترتیب صحیحی برای فرض جایگزین پیش بینی کند. (صبوری فر و علوی، ۱۳۹۴: ۱۸۳)

لازم به ذکر است که بند (ب) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌کند: «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تادیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تادیب و محافظت باشد». بنابر این شرایط تنبیه در این ماده از قانون مجازات اسلامی به شرح زیر است از سوی والدین، اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین باشد. تنبیه تنها در خصوص صغار و مجانین امکان اعمال دارد. به منظور تادیب و حفاظت آن‌ها انجام شود. اقدامات تنبیهی در حد متعارف باشد. اقدامات تنبیهی در حدود شرعی تادیب و محافظت باشد. بنابراین دائماً قانون گذار با اضافه کردن شروطی سعی کرده است که تنبیه را تنها متوجه شرایط ضروری کند و استفاده از آن را در جهت مصلحت کودک بداند در قانون مجازات اسلامی در مواد دیگری نیز به حق تادیب والدین اشاره شده است. در ماده ۸۸ قانون ۱۳۹۲ از تحویل طفل به والدین برای تادیب به عنوان یکی از اقدامات تامینی و تربیتی برای اصلاح کودکان زیر ۱۸ سال نام برده شده است. بر این اساس درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری شده اند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است حسب مورد دادگاه تصمیمی را اتخاذ می‌کند. در قانون به والدین، اولیای قانونی و سرپرستان اجازه تنبیه داده شده است. نخستین سوالی که در این خصوص پیش می‌آید این است که منظور از والدین، اولیای قانونی و سرپرستان چه کسانی هستند؟ منظور از والدین، پدر و مادر هستند؛ بنابراین با این لفظ ناپدری و نامادری از شمول این ماده خارج می‌شوند. همچنین منظور از اولیای قانونی پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف آن‌ها است. مراد از سرپرستان زن و شوهرانی هستند که با توافق یکدیگر، کودکی را با تصویب دادگاه و به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ به سرپرستی پذیرفته اند. ماده ۱۷ این قانون، مقرر می‌دارد: تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند.

غیر از سه گروه فوق سایر افراد، مثل معلم معاون مدرسه، ناپدری، نامادری و... حق تأدیب ندارند و اقدامات آنان جرم محسوب می‌شود. در قانون مجازات مصوب ۹۲ خصوصاً در جرایم تعزیری که مسئولیت تدریجی پذیرفته شده تفکیک میان دختر و پسر از بین رفته و مجازات بدنی مانند شلاق حذف شده است. در قانون تعویق صدور احکام اطفال و فقدان آثار محکومیت کیفری نیز پذیرفته شده که تحولات مثبتی به حساب می‌آید.

همچنین به موجب استانداردهای بین المللی رویکرد کاهش توسل به مداخلات قانونی قضازدایی و اتخاذ تدابیر عینی که شامل بسیج همگانی تمام منابع از جمله خانواده، گروه‌های جامعه، مدارس و سایر موسسات اجتماعی است، از جمله اصول مهم در اجرای عدالت اطفال است. همچنین سپردن کودک به والدین و سرپرستان قانونی که در ماده ۸۹ از آن نام برده شده اقدام مناسبی است و تکلیف والدین برای تادیب، تربیت مشخص و نظارت بر اقدامات آنان نیز در نظر گرفته شده است.

نتیجه گیری

مسئولیت کیفری اطفال در قانون مجازات ۱۳۹۲ گامی اساسی در راستای اهداف عدالت کیفری می‌باشد و تغییرات و نوآوری‌هایی عمده‌ای در قانون جدید دیده می‌شود. در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال تمام قمری را طفل دانسته است

و جرایم اطفال را به دو دسته تعزیری و حد و دیات تقسیم نموده است که در خصوص ارتکاب جرائم تعزیری مسئولیت کیفری اطفال بدون آن که تفاوتی از حیث جنسیت وجود داشته باشد، تابع نظام تدریجی شده و برای گروه‌های سنی مختلف اطفال واکنش‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است. همچنین، در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال نیز طبق تبصره ۱ ماده ۸۸ بیان کرده است که کودک یا نوجوان ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ای که مرتکب جرم تعزیری شود ممکن است علاوه بر تدابیر مذکور در بند قبل مشمول واکنش پیش بینی شده در بندهای ت و ث این ماده نیز قرار گیرند. از طرفی می‌توان اذعان داشت که شرایط و موانع مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نیز کیفرهای مندرج در قانون مجازات اسلامی در راستای تأدیب و بازدارندگی از جرم موثرتر از قبل می‌باشد و با یافته‌های علمی و روانشناختی جدید نیز سازگاری بیشتری دارد. در پایان پیشنهاد نگارندگان این است:

که به جای اینکه بلوغ جسمی را شرط تحقیق مسئولیت و ورود طفل به عرصه مسئولیت کیفری بدانیم به رشد عقلی او توجه شود و بررسی کنیم آیا طفلی که بلوغ جسمی را پشت سر گذاشته آیا به رشد عقلی و درک و آگاهی کامل در شناخت حسن و قبح اعمال خود رسیده یا خیر؟! و تشخیص این امر را به کارشناسی بسپاریم. به عبارت دیگر تحقیق درباره وضعیت دماغی و عقلی مرتکب زیر ۱۸ سال را الزامی بدانیم.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۲۰۱۷). ترمینولوژی حقوق (چاپ سی‌ام). گنج دانش.
- حسینجانی، بهمن؛ مظاهری تهرانی، مسعود. (۲۰۱۰). اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی به قوانین کیفری فرانسه و آمریکا. تهران: انتشارات مجد.
- حیدری، مسعود. (۲۰۱۵). بررسی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. فصلنامه تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم (۱).
- خالقی، علی. (۲۰۲۰). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (چاپ شانزدهم). موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۹۹۳). لغت نامه (جلد دوم، چاپ اول). انتشارات دانشگاه تهران.
- روحانی، حسن؛ مهرپور، حسین. (۲۰۱۲). سن اهلیت و مسئولیت قانونی در فقه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران (چاپ نخست). تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رهامی، محسن. (۲۰۰۲). رشد جزایی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۵۸.
- صبوری پور، مهدی؛ علوی صدر، فاطمه. (۲۰۱۵). سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۶ (۱)، ۱۷۱-۱۹۴.
- عبادی، شیرین. (۲۰۰۸). حقوق کودک (چاپ هفتم). انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- قاروبی، حسن. (۱۹۹۲). النضید فی شرح روضه الشهید (چاپ اول). انتشارات داوری.
- کاتوزیان، ناصر. (۲۰۱۷). قواعد عمومی قراردادها (جلد دوم، چاپ اول). گنج دانش.
- محمدی، قاسم. (۲۰۰۴). رشد عقلانی و حقوق جنایی. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۲۴، ۱۸۷-۲۱۶.
- موذن زادگان، حسنعلی. (۲۰۱۰). کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی (چاپ سوم). علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری). تهران: نشر سمت.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۲۰۲۲). حقوق جزای عمومی (جلد دوم، چاپ دوم). نشر دادگستر.
- یاقوتی، ابراهیم. (۲۰۲۲). امکان‌سنجی سقوط قصاص نوجوان در پرتو قاعده درأ (از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری ایران). فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۱۹.